

نگاهی به آینده جهان در پرتو قرآن و روایات

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی لطفی*

مقدمه

از دیرباز آینده و شناخت نسبت به آن، مورد توجه بوده است و انسان کوشیده است از راه‌های گوناگون نسبت به آینده خود اطلاعی به دست آورد. آینده‌نگری انسان را وا می‌دارد تا به دنبال به دست آوردن خبری از آینده جهان و سرنوشت خود باشد. به راستی آینده جامعه انسانی چگونه خواهد بود؟ آیا جهان به سوی آینده‌ای روشن حرکت می‌کند یا باید منتظر دنیایی تیره و تاریک باشیم؟ در دهه ۱۹۶۰ برای شناخت و ترسیم آینده و نیز پاسخ به سؤالاتی که درباره آن وجود دارد، دانشی به نام آینده‌پژوهی به وجود آمد که به سرعت در عرصه‌های مختلف وارد شد و تأثیرات قابل توجهی در رویکردهای گوناگون جوامع از خود بر جای گذاشت. از جمله اندیشمندان جوامع، ادیان و مکاتب فکری مختلف، با رویکردها و شیوه‌های متفاوت در رابطه با فرجام و آینده جهان، نظریه‌هایی را مطرح کردند و بر اساس باورها و آموزه‌های خود، به ترسیم و تفسیر آینده همت گماشتند. اندیشمندان اسلامی و به‌ویژه شیعی نیز کوشیدند با استفاده از آیات و روایات، به ترسیم آرمان‌شهر موعود بپردازند. قرآن و به تبع آن روایات اسلامی با اشاره به زوایای گوناگون زندگی بشر، نگاهی دقیق و عمیق به آینده جهان و انسان دارند. اسلام، آینده‌ای روشن و سرشار از کامیابی و بهروزی را برای بشریت به تصویر کشیده و با مژده ظهور آخرین ذخیره الهی ﷺ که بر اساس اراده حتمی خالق قادر حکیم صورت خواهد گرفت، نور امید را در قلب و جان باورمندان روشن کرده است. این بشارت، پویایی جامعه دینی را به دنبال خواهد داشت و آنان را در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ﷺ قرار خواهد داد. در این مقاله برخی از مسائل مطرح شده در آیات و روایات نسبت به

* کارشناس ارشد مهدویت، دکتری مطالعات تطبیقی ادیان.

آینده جهان بیان می‌شود.

۱. پیروزی اهل ایمان

اگر چه بنا بر گواهی تاریخ، همواره میان حق و باطل نزاع و ستیز بوده و در هر برهه‌ای یکی از آنها بر دیگری غلبه کرده است؛ اما بنا بر آینده‌نگری قرآن، نظام اجتماعی آینده بر اساس پیروزی نهایی نظام توحیدی بر نظام شرک و طاغوت شکل خواهد گرفت: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ»^۱ بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد و این‌گونه، باطل محو و نابود می‌شود».

هر چند پیامبران الهی از آغاز تاریخ بشریت در جهت ترویج و تثبیت دین حق مجاهدت‌های بسیاری کرده‌اند، ولی همواره با دشمنی‌های دین‌ستیزان روبه‌رو بوده‌اند؛^۲ از این رو هیچ‌گاه شاهد غلبه کامل و فراگیر دین و دینداران نبوده‌ایم. از سوی دیگر این وعده حتمی خداوند است: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»^۳ وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده که آنان یاری‌شدگاند و لشکر ما پیروزند». خداوند در این آیه به یک حکم و قضای قطعی و از پیش تعیین‌شده، یعنی پیروزی اهل حق بر اهل باطل اشاره کرده است. وعده حتمی الهی این است که خداوند فرمانبرداران و مجاهدان را هم در دنیا و هم در آخرت یاری می‌کند و آنها را بر گروه باطل پیروز می‌نماید. این یاری و غلبه، حکمی اجتماعی است که تنها شامل انبیا و مؤمنین واقعی می‌شود که لشکر خدا هستند.^۴ زمان تحقق این وعده، عصر ظهور آخرین وصی آخرین پیامبر خواهد بود که با انقلاب جهانی خود، فرجامی خوش برای عالم رقم می‌زند و طومار لشکر شیطان را برای همیشه در هم می‌پيچد. شهید مطهری^۵ در این باره می‌نویسد: «از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود^۶، آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان بر پا بوده است. مهدی موعود^۷، تحقق‌بخش ایده‌آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است».^۵

۱. انبیاء: ۱۸.

۲. در این رابطه می‌توان به داستان زندگی انبیا^۸ اشاره کرد که به جهت رعایت اختصار از ذکر آن پرهیز می‌کنیم.

۳. صافات: ۱۷۱.

۴. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۷، ص ۱۷۷.

۵. مرتضی مطهری؛ قیام و انقلاب مهدی^۹؛ ص ۶۸.

با پیروزی اهل ایمان و حاکمیت آنان بر جهان، دین حق نیز بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد. ادیان الهی پیوسته با چالش مکتب‌ها و ادیان خودساخته بشری روبه‌رو بوده‌اند؛ یعنی در مقابل دعوت انبیای الهی، افراد دیگری هم مردم را به سوی خود دعوت کرده و متأسفانه توانسته‌اند انسان‌های بسیاری را از مسیر حق جدا کنند. سؤال مهم این است که «آینده جوامع بشری چگونه است؟ آیا این فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و این جامعه‌ها و ملیت‌ها برای همیشه به وضع موجود ادامه می‌دهند یا حرکت انسانیت به سوی تمدن و فرهنگ و جامعه یگانه است». در پاسخ به این سؤال باید گفت که انسان برای رسیدن به کمال مطلوب و جامعه آرمانی خود، چاره‌ای جز حرکت به سوی اتحاد و یگانگی و دوری از تفرقه و پراکندگی ندارد.

جامعه‌ها، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت، ادغام شدن در یکدیگر سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته است که همه ارزش‌های امکانی انسانیت در آن به فعلیت رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و در واقع به انسانیت اصیل خود خواهد رسید. از نظر قرآن این مطلب مسلم است که حکومت نهایی، حکومت حق و نابود شدن یکسره باطل است و عاقبت از آن تقوا و متقیان است.^۱

اگرچه سردمداران باطل می‌کوشند: «أَنْ يُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ»^۲ نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، اما اراده الهی چیز دیگری است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۳ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند. این وعده در سه آیه^۴ مطرح شده است که نشان از اراده قطعی خداوند بر پیروزی دین حق دارد. امام باقر علیه السلام درباره زمان محقق شدن این وعده الهی فرموده است: «همانا تحقق این آیه، هنگام خروج مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله است. پس هیچ کس باقی نمی‌ماند، مگر اینکه به [نبوت] محمد صلی الله علیه و آله اقرار می‌کند».^۵ همچنین فرموده است: «و سلطنت‌اش شرق و غرب عالم را فرا گیرد و خدای تعالی به واسطه او، دین‌اش را بر همه ادیان چیره گرداند؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید».^۶

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲، ص ۳۵۸.

۲. توبه: ۳۲.

۳. توبه: ۳۳.

۴. ر.ک: توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹.

۵. هاشم بن سلیمان بحرانی؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۷۷۰.

۶. محمد بن علی صدوق؛ کمال الدین و تمام النعمه؛ ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. حکومت صالحان

قرآن کریم، ضمن معرفی صالحان به عنوان وارثان و حاکمان آینده جهان، وعده می‌دهد که همه جهانیان تحت حاکمیت صالحان قرار خواهند گرفت. در این زمینه به دو آیه اشاره می‌کنیم:

الف. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد».

خداوند در این آیه اعلام می‌کند که در کتب پیامبران پیشین علیهم‌السلام نیز گفته است که آینده جهان از آن بندگان صالح‌اش خواهد بود. علامه طباطبایی رحمته‌الله در معنی «وراثت» می‌فرماید:

مراد از وراثت زمین این است که تسلط بر منافع آن، به صالحان منتقل شود و برکات زندگی در زمین به ایشان اختصاص خواهد یافت. این برکات یا دنیوی است که به حیات دنیوی بر می‌گردد، مثل بهره‌مندی انسان صالح از امکانات و زیبایی‌های زمین که در این صورت مفاد آیه چنین می‌شود که به زودی زمین از لوٹ شرک و گناه پاک گشته و جامعه بشری صالح که خدا را بندگی می‌کنند و نسبت به وی هیچ شرکی نمی‌ورزند، در آن ساکن می‌شوند. ... و یا این برکات اخروی است که عبارت است از مقامات قربی که در زندگی دنیایی‌شان کسب کرده‌اند.^۲

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز درباره صالحان می‌فرماید:

با توجه به اضافه شدن بندگان به خدا، مسأله ایمان و توحید آنها روشن می‌شود و با توجه به کلمه «صالحون» که معنی گسترده و وسیعی دارد، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید: شایستگی از نظر عمل و تقوا، شایستگی از نظر علم و آگاهی، شایستگی از نظر قدرت و قوت و شایستگی از نظر تدبیر و نظم و درک اجتماعی. هنگامی بندگان با ایمان این شایستگی‌ها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز کمک و یاری می‌کند تا آنها بینی مستکبران را به خاک بمالند، دست‌های آلوده‌شان را از حکومت زمین کوتاه کنند و وارث میراث‌های آنها گردند.^۳

ب. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»^۴ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده

۱. انبیاء: ۱۰۵.

۲. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۴، ص ۳۳۰.

۳. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۳، ص ۵۱۷.

۴. نور: ۵۵.

می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید».

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرموده است: «این آیه درباره قائم نازل شده است». ^۱ علامه طباطبایی رحمته الله در شرح نسبتاً مبسوطی از این آیه، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که هیچ دلیلی وجود ندارد مراد از کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، همه امت اسلامی از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تا قیامت بوده باشد. از طرف دیگر ظاهر آیه بر اطلاق آن بر تمام ایمان‌آوردگان و انجام‌دهندگان عمل صالح دلالت دارد، نه فقط صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و یا اهل بیت علیهم السلام. این جامعه پاک با آن اوصاف فضیلت‌آمیز و قداست، از هنگام بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا به امروز تحقق نیافته است و اگر بخواهد منطبق گردد، بر زمان ظهور مهدی علیه السلام منطبق می‌گردد و اخبار متواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام در این باره وارد شده است. ^۲

۳. اخلاق‌مداری

مراد از اخلاق در این بحث، فضایل اخلاقی مانند صبر، صداقت، احسان، تواضع و اموری شبیه به آن است که در دوران ظهور در جامعه جهانی حاکم خواهند شد و روابط انسانی بر اساس آنها شکل خواهد گرفت.

یکی از لوازم تشکیل جامعه ایده‌آل، تکامل اخلاق و تربیت روحی انسان‌هاست، اما با کمال تأسف یکی از معضلات در دوره آخرالزمان، فاصله گرفتن انسان از اخلاق و جایگزین شدن شبه اخلاقیات ^۳ به جای اخلاق الهی است.

در قرون متأخر در مقابل تفکرات دینی، مکاتبی ظهور کرده‌اند که برای خود رسالت‌هایی همچون «برقراری صلح و امنیت»، «ایجاد آزادی»، «حاکمیت قانون»، «فراهم کردن عدالت همگانی»، «حقوق بشر و ایجاد نظام مردم‌سالار (دموکراسی)» را در نظر گرفته‌اند. عصر حاضر، عصر در هم آمیختن ارزش‌ها با ضد ارزش‌هاست. دین‌ستیزان تمام تلاش خود را برای جدا کردن مردم از دین و ارزش‌های دینی و جایگزینی فرهنگ مادی‌گرایی و لذت‌گرایی به کار گرفته‌اند. ^۴

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی؛ الغیبة؛ ص ۲۴۰.

۲. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۵، ص ۱۵۰.

۳. اموری که در ظاهر اخلاقی و زیباست، ولی در واقع غیراخلاقی و مضر است.

۴. محمد مهدی لطفی؛ «نقش موعودباوری در همگرایی ادیان ابراهیمی (پایان‌نامه)»؛ ص ۱۲۲.

از این رو در ترمیمی که از حکومت مهدوی علیه السلام به عنوان حکومت آینده جهان شده است، حاکمیت اخلاق از برنامه‌های بنیادین خواهد بود. امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است: «وقتی قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌نهد و عقل‌های آنان را به هم پیوند می‌دهد و اخلاق آنان را کامل می‌سازد».^۱ حاکمیت عقل، عامل مؤثری در تقلیل و جلوگیری از ناهنجاری‌های اخلاقی است. امام خمینی علیه السلام درباره فراگیر بودن مفهوم عدالت در زمان ظهور می‌فرماید: حضرت مهدی علیه السلام عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقط عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد؛ بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت... تمام نفوسی که هستند، انحرافات در آنها هست؛ حتی نفوس اشخاص کامل هم در آنها انحرافات هست - ولو خودش نداند - در اخلاق انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در تمام کارهایی که بشر می‌کند، انحراف معلوم است و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال.^۲

امام حسین علیه السلام پس از بیان دورنمایی از جامعه قبل از ظهور، درباره جامعه مهدوی علیه السلام می‌فرماید: «همه خیرها در آن زمان است که مهدی علیه السلام قیام می‌کند و همه این [زشتی‌ها] را از میان بر می‌دارد».^۳ امام علی علیه السلام نیز در توصیف آن دوران می‌فرماید: «... و چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود».^۴ در این زمان «کسی بر دیگری برتری ندارد و بزرگ، بر کوچک ترحم می‌کند و کوچک، بزرگ را محترم می‌دارد».^۵

۴. عدالت‌محوری

در جهان معاصر برخی از حکومت‌ها، مثل انقلاب اسلامی ایران و بعضی از انسان‌ها، به دنبال اجرای عدالت در جهان هستند؛ اما اخبار و روایات متعددی که از شیعه و سنی نقل شده است، بیانگر چیرگی بی‌عدالتی در عصر پیشاظهار و حاکمیت عدالت کامل در حکومت آینده جهان است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حتی اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت من را بر می‌انگیزد و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آنچنان‌که از ظلم و جور پر شده

۱. سعید بن هبة الله قطب‌الدین راوندی؛ الخرائج و الجرائح؛ ج ۲، ص ۸۴۰.

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۱۲، ص ۲۰۷.

۳. محمد بن ابراهیم نعمانی؛ الغیبة؛ ص ۲۰۵.

۴. محمد بن علی صدوق؛ النصال؛ ج ۲، ص ۶۲۶.

۵. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۵۲، ص ۳۸۴.

بود.^۱ عدالت مهدوی، فراگیر و به صورت کامل و تمام اجرا می‌شود؛ به طوری که حتی بدکاران را هم در بر می‌گیرد. امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند... در میان مخلوقات خدای رحمان، چه نیکوکار باشند چه بدکار، عدالت را برقرار می‌کند».^۲ در نتیجه این عدالت، رضایت عمومی در جهان به وجود می‌آید: «... زمین را از عدل و داد سرشار می‌کند، همان‌گونه که از ستم پر شده بود. به خلافت او اهل زمین و آسمان و مرغان هوا راضی باشند».^۳

یکی از جنبه‌های مهم عدالت مهدوی، عدالت اقتصادی است. تحقق جامعه ایده‌آل، افزون بر سرمایه معنوی به سرمایه‌های مادی نیز احتیاج دارد. از یک سو در دوران ظهور، عصر حاکمیت ایمان و آشتی بشر با خداست، طبیعت هم با انسان آشتی می‌کند و نعمت‌ها و برکات خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛^۴ و اگر اهل شهرها و آبای‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم».

از سوی دیگر بیت‌المال و اموال عمومی به صورت برابر بین همه افراد جامعه تقسیم می‌شود. ابوسعید خدری می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به شما مژده می‌دهم به مهدی علیه السلام... مال را صحاحاً تقسیم می‌کند». گفتیم: صحاحاً یعنی چه؟ فرمود: «به طور مساوی بین مردم. پس خداوند قلب‌های امت محمد را از بی‌نیازی پر می‌کند».^۵

نتیجه آن فراوانی نعمت و این تقسیم عادلانه ثروت، آن است که فقر از جامعه انسانی رخ برخواهد بست. امام صادق علیه السلام درباره مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هنگامی که قائم قیام کند، به عدل حکم نماید... پس کسی از شما شخصی را که به او صدقه بدهد، نمی‌یابد؛ چون غنا و توانگری همه مؤمنان را در بر می‌گیرد».^۶

۵. برپایی صلح

یکی از اهداف تمامی ادیان الهی، ایجاد صلح در تمامی جوامع است. اکنون یک تشنگی

۱. علی بن موسی ابن طاووس؛ الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف؛ ج ۱، ص ۱۷۶.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۵۱، ص ۲۹.

۳. علی بن عیسی اربلی؛ کشف الغمة؛ ج ۲، ص ۴۸۶.

۴. اعراف: ۹۶.

۵. علی بن موسی ابن طاووس؛ الملاحم و الفتن؛ ص ۱۶۵.

۶. فضل بن حسن طبرسی؛ إعلام الوری بأعلام الهدی؛ ص ۴۶۲.

عمومی نسبت به صلح، همه جهان را فرا گرفته است. قرآن همه مؤمنان را به صلح دعوت کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی درآید». این آیه همه افراد با ایمان را به صلح و سلام و تسلیم بودن در برابر فرمان خدا دعوت می‌کند. از دعوت عمومی این آیه که همه مؤمنان را بدون استثنا از هر زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و قشر اجتماعی به صلح و صفا دعوت می‌کند، استفاده می‌شود که در پرتو ایمان به خدا، تشکیل حکومت واحد جهانی که در سایه آن همه جا صلح آشکار گردد، امکان‌پذیر است.^۲

امام مهدی علیه السلام برای برپایی صلح جهانی، اقدامات گوناگونی انجام می‌دهد که از آن جمله می‌توان به رفع موانع صلح اشاره کرد. در عصر حکومت مهدوی علیه السلام «خداوند به وسیله او فتنه‌های جانکاه را آرام و ساکن می‌سازد و زمین امن می‌گردد»،^۳ استکبار و استعمار ریشه‌کن می‌شوند و عاملان آن از بین می‌روند^۴ و «کینه‌ها و ناراحتی‌ها از دل بندگان خدا زایل می‌گردد».^۵

فهرست منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی؛ الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف؛ چاپ اول، قم: خیام، ۱۴۰۰ ق.
۲. _____؛ الملاحم و الفتن؛ چاپ اول، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ ش.
۳. اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمة؛ چاپ اول، تبریز: بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۵ ق.
۵. سلیمان، کامل؛ یوم الخلاص؛ بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۵ ق.
۶. صدوق، محمد بن علی؛ الخصال؛ چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۷. _____؛ کمال الدین و تمام النعمه؛ چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی

۱. بقره: ۲۰۸.

۲. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲، ص ۸۲.

۳. کامل سلیمان؛ یوم الخلاص؛ ج ۲، ص ۶۴۰.

۴. ر.ک: محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۳۸۴.

۵. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۵۲، ص ۳۱۶ و ج ۱۰، ص ۱۰۴.

للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ إعلام الوری بأعلام الهدی؛ تهران: دارالکتب الإسلامية، [بی تا].
۱۰. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة‌الله؛ الخرائج و الجرائح؛ چاپ اول، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. لطفی، محمد مهدی، «نقش موعودباوری در همگرایی ادیان ابراهیمی»؛ مقطع دکترا، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ۱۳۹۷ ش.
۱۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ تهران: اسلامیه، [بی تا].
۱۳. مطهری، مرتضی؛ قیام و انقلاب مهدی علیه السلام؛ چاپ ششم، قم: صدرا، ۱۴۰۰ ق.
۱۴. _____؛ مجموعه آثار؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. مفید، محمد بن محمد؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ قم: تحقیق مؤسسه آل‌البت علیهم السلام لآحیاء التراث، دار المفید، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
۱۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله؛ صحیفه نور؛ قم: نشر آثار امام علیه السلام، [بی تا].
۱۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ الغیبة؛ چاپ اول، تهران: صدوق، ۱۳۹۷ ق.